مادرت

راحله بهزادی

ششم نوامبر ۲۰۲۶

نمایش مادرت ، نوشته و کارگردانی آنا آزکاراته که در استکهلم روی صحنه رفته است، تماشاگر را به یکی از تاریک‌ترین دوره‌های تاریخ اسپانیا می‌برد: دوران دیکتاتوری فرانسیسکو فرانکو. مادری برای نجات جان دخترش، او را به خواهر و شوهرخواهرش می‌سپارد و سپس نقشی دردناک را در زندگی فرزند خود می‌پذیرد: «خاله کارمن» بودن.

آزکاراته تماشاگر را با پرسش‌های اخلاقی در شرایط دیکتاتوری روبه‌رو می‌کند. آیا تصمیم مادر برای پنهان کردن حقیقت، حتی از دختر خودش، از نظر اخلاقی نادرست است؟ یا هنگامی که جان کودکی در خطر است، پنهان کردن حقیقت می‌تواند شکلی از مراقبت و عشق باشد؟ چگونه می‌توان درباره انتخاب‌های مادری داوری کرد که ترس و سرکوب، راه‌های پیش روی او را محدود کرده‌اند؟

اگرچه این پرسش‌های اخلاقی در قلب روایت جای دارند، برای بخشی از تماشاگران، آنچه بیش از همه در نمایش برجسته می‌شود، حضور سنگین دیکتاتوری فرانکو است. برای کسانی که با سرکوب سیاسی آشنا هستند، رنج کارمن به مرزهای اسپانیا محدود نمی‌ماند. زندان، شکنجه، ناپدیدسازی قهری، اعدام و خشونت علیه فرزندان، مادران بسیاری را در کشورهای مختلف با فقدان‌هایی ویرانگر و انتخاب‌هایی جان‌فرسا روبه‌رو کرده‌اند.

این تجربه‌ها یکسان نیستند. هر کشوری تاریخ خود را دارد و هر مادری داستان خود را. بااین‌حال، در شیوه‌هایی که دیکتاتوری‌ها با ترس و خشونت به زندگی خانواده‌ها راه می‌یابند، شباهت‌های دردناکی دیده می‌شود. قدرت آن‌ها به زندان‌ها و اتاق‌های بازجویی محدود نمی‌شود؛ روابط خانوادگی را دگرگون می‌کند، خاطره‌ها را به سکوت می‌کشاند و انسان‌ها را وادار می‌کند هویت خود را پنهان کنند.

از این منظر، سکوت کارمن هم راهی برای محافظت از فرزند است و هم شکلی از محرومیت. او دخترش را زنده نگه می‌دارد، اما به بهای آنکه فرزندش او را به‌عنوان مادر نشناسد. دختر نیز با پیامدهای حقیقتی زندگی می‌کند که از او پنهان مانده است. حتی اگر این پنهان‌کاری برای نجات جان او ضروری بوده باشد، زخم عاطفی آن از میان نمی‌رود.

مادرت فرصتی است برای تأمل در انتخاب‌های جان‌فرسای مادران زیر سایه دیکتاتوری و پیامدهای ماندگار خشونت سیاسی در زندگی خانواده‌ها. واژه «مادر» در زبان‌ها و سرزمین‌های گوناگون، معنایی انسانی و مشترک دارد؛ هرچند تجربه هر زن، یگانه و از آنِ خود اوست.

شاید عمیق‌ترین پرسش نمایش تنها این نباشد که کارمن در پنهان کردن حقیقت درست عمل کرده است یا نه. پرسش این است که چه نوع نظام سیاسی عشق مادرانه را ناگزیر به چنین شکل دردناکی درمی‌آورد. پیش از داوری درباره سکوت او، باید با خشونتی روبه‌رو شویم که این سکوت را ضروری کرده است؛ و بپرسیم ردّ آن خشونت چگونه در زندگی بازماندگان ادامه پیدا می‌کند.